

آموزش زبان معیار و فراهنجارهای ادبی

محمد رضا قلی‌زاده^۱

چکیده

از آن جا که آگاهی، شناخت و آموزش زبان معیار و مهارت در به کارگیری آن، مقدمه‌ای برای آموزش درس انشا و پرورش روحیه‌ی خلاقیت در دانش آموزان است؛ لذا آموزش و شناخت آموزگاران نسبت به ساختار این زبان، امری کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. در مسیر تکامل این فرایند، فراهنجارهای ادبی از قبیل: استعاره، مجاز، متناقض‌نما، تشبیه و ... نیز می‌توانند به عنوان مکمل به یاری پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش آموز بیایند. زبان معیار وسیله‌ای برای بیان افکار و اندیشه است، البته به شکلی علمی، خشک و بی‌روح؛ اما فراهنجارها و آشنایی‌زدایی‌ها در زبان، وسیله‌ای برای ساختارهای ادبی و هنری است. ما در این مقاله در این زمینه به بحث خواهیم نشست. کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، معیار، آموزش، فراهنجارهای ادبی، استعاره، متناقض‌نما

مقدمه

زبان معیار یکی از مهارت‌هایی است که آموزش آن در آفرینش قالب‌های علمی مفید و موثر است. اکنون به برخی از عناصر سازنده‌ی آن اشاره می‌کنیم.

۱- ساخت آوایی زبان فارسی معیار

آشنایی و شناخت تعلیم‌دهندگان زبان فارسی بخصوص آموزگاران نسبت به ساخت آوایی این زبان، امری کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. شناخت کافی از این ساخت، معلمان را برای تدریس موفقیت‌آمیز جمله نویسی و املا در همه‌ی پایه‌ها یاری خواهد کرد. در هر زبان دو نوع آوا وجود دارد: صامت‌ها و مصوت‌ها.

- ۱-۱. توصیف صامت‌های زبان فارسی که خود شامل مباحث زیر است.
الف) جایگاه تولید: که حروف بر اساس جایگاه تولید آن‌ها به حروف دو لبی (پ،م)، لب و دندانی (ف،و)؛ دندانی (ت،د)، لثوی (س،ث،ص)، لثوی - کامی (چ،ژ)، کامی (گ،ک)، ملازی (خ،غ) و چاکنایی (ه،ع) تقسیم می‌شوند.
ب) شیوه‌های تولید صامت‌های فارسی معیار که شامل شیوه‌های انفجاری (ب،پ)، لرزشی (ر)، سایشی (س،ث،ص)، روان (ل،ی)، خیشومی (م،ن) و شیوه‌ی انفجاری - سایشی (ج،چ).
- ۱-۲. توصیف مصوت‌های زبان فارسی: زبان فارسی دارای شش مصوت است. سه مصوت کوتاه و سه مصوت بلند. این آواها در ابتدای واژه واقع نمی‌شوند و هنگام تولیدشان، امواج صوتی بدون این که در مجرای گفتار به مانعی برخورد کنند به آسانی به خارج از دهان منتقل می‌شوند.
- ۱-۳. هجا و ساخت آن در زبان فارسی. در مباحث آموزش دبستانی از آن به اصطلاح «بخش» یاد می‌شود. عناصر سازنده‌ی هجا؛ صامت‌ها و مصوت‌ها هستند؛ اما ترکیب آن‌ها از طریق قواعد خاص صورت می‌پذیرد که عبارتند از:
الف) عنصر آغازین هجاهای فارسی همواره یک صامت است.
ب) عنصر دوم هجای فارسی همواره یک مصوت است.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد مشهد d.ghmohammadreza3372@yahoo.com

ج) در پایان هجاهای فارسی هیچ گاه پیش از صامت نمی‌آید.

۲- ساخت صرفی زبان فارسی معیار:

در آموزش مهارت‌های زبانی، لازم است ضمن این که دانش آموزان با آوای زبان و رابطه‌ی آن‌ها با حروف الفبا آشنا می‌شوند، روش‌هایی پیش‌بینی کنیم که مهارت‌های آنان را در تحلیل ساخت صرفی زبان پرورش دهیم. تحلیل ساخت صرفی معمولاً مطالعه‌ی واژه‌های قاموسی، پسوندها و پیشوندها اعم از وندهای تصیفی و اشتقاقی و قواعد ساخت واژه‌ها را در بر می‌گیرد. دانش آموزانی که آشنایی بیشتری با ساختار کلمه‌های زبان فارسی پیدا می‌کنند در یادگیری و توسعه‌ی مهارت‌های خواندن و نوشتن، نتایج بهتری می‌گیرند.

۳- ساخت نحوی (ساخت جمله) زبان فارسی معیار

دانش آموزان ضمن یادگیری مسائل مربوط به ساخت آوایی و صرفی باید با ساختار جمله‌های زبان فارسی هم آشنا شوند چرا که واحد اصلی ارتباط زبانی، جمله است و آوا حدی است که محمل پیام‌های گوینده یا نویسنده قرار می‌گیرد. برای نگارش و خواندن صحیح متن نیز جمله، اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و با پیوند جمله‌هاست که متون زبانی شکل می‌گیرد.

در آموزش زبان فارسی معیار، آموزگاران باید برنامه‌ی تدریس خود را طوری ساماندهی کنند که دانش‌آموزان را به طور غیر مستقیم با شیوه‌ی ساخت جمله‌های فارسی آشنا کنند. نقش تمرینات درس فارسی و بویژه درس جمله سازی در این امر بسیار حایز اهمیت است. از این طریق می‌توان انتظار داشت که دانش‌آموزان از ساختن جمله‌های کلیشه‌ای و طوطی‌وار، رهایی یافته، جمله‌های تازه‌ای بسازند. با رسیدن به این هدف، راه برای نگارش صحیح متون و نامه نگاری تا حد زیادی هموار می‌شود.

۴- ساخت متن زبان فارسی معیار

متن به ساخت زبانی بالاتر از جمله اطلاق می‌شود. مطالب مرتبط فراتر از جمله را می‌توان متن محسوب کرد. مثل پاراگراف، مقاله، داستان، گفت‌وگو، آگهی، یک قطعه شعر و... (پارمحمدی، ۲۶۲:۱۳۷۲) با کمی دقت نظر می‌توان به این امر واقف شد که اگر دانش‌آموزان در درس فارسی و کتاب‌های دیگر علاوه بر حروف الفبا، واژه‌ها و جمله‌های زبان، با متن روبرو هستند و می‌توان گفت هدف اساسی آموزش زبان فارسی، خواندن و نوشتن متن‌های مختلف است و آموزش‌های مربوط به حرف‌شناسی، واژه‌شناسی و جمله‌سازی همگی مقدمه‌ی یادگیری تولید و ادراک متون زبانی هستند.

اما همه‌ی جمله‌هایی که به طور متوالی کنار هم قرار می‌گیرند، تشکیل متن نمی‌دهند بلکه باید روابطی بین آن‌ها باشد که از آن به عنوان «انسجام متن» یاد می‌کنند که عوامل انسجام متن را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

الف) انسجام دستوری مثال: (می‌خواهم رمان کلید را بخوانم، محسن هم می‌خواند.) حذف مفعول در جمله‌ی دوم عامل ارتباط جمله‌ی دوم و جمله‌ی اول است.

ب) انسجام لغوی

ج) انسجام معنایی و منطقی جمله‌ها

۵- ساخت معنایی زبان فارسی معیار

علاوه بر معنای تک تک واژگان زبان برای تولید یا درک جمله‌ها باید به روابط معنایی این واژه‌ها در ساخت جمله‌ها هم توجه شود. مهم‌ترین این روابط « روابط مفهومی » است. کسانی می‌توانند در خواندن و نوشتن زبان موفق‌تر عمل کنند که با آموزش‌های لازم که برای آنها تدارک دیده می‌شود با روابط مفهومی آشنا شوند و با تمرینات کافی بر آنها مسلط شوند. از طرف دیگر در برنامه آموزش زبان فارسی

برای روشن شدن مفهوم آن تعداد عناصر زبانی که درک شان برای دانش آموزان مشکل است می‌توان از روابط مفهومی مانند هم معنایی (sanonymy)، تضاد معنایی (contraction) و ... استفاده کرد و به این ترتیب بر ذخیره واژگانی دانش آموزان افزود. روابط مفهومی دو دسته است. *

الف) روابط مفهومی واژگانی

واژه‌های زبان فارسی مانند بیشتر زبان‌ها در شبکه‌ای از روابط مفهومی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند که می‌توان آنها را با عنوان‌های هم معنایی (تیره و سیاه) تضاد معنایی (بالا و پایین) همنامی (تشابه) (شیر جنگل، شیر خوردنی) چند معنایی (مثلاً جفت در معنای زن و شوهر، دو عدد و ...) و شمول معنایی (گل، نیلوفر) مورد بررسی قرار دارد.

ب) روابط مفهومی جمله‌ای که بین مفاهیم جمله‌ها روابطی برقرار می‌کند که در چند دسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- **تاویل معنایی:** ممکن است یک مفهوم به وسیله‌ی دو یا چند جمله‌ی متفاوت بیان شود. مانند:

- گربه، دشمن موش است.
- دشمن موش، گربه است.
- گربه است که با موش دشمن است.

ملاحظه می‌شود که جملات مذکور مفاهیم یکسانی دارند و تفاوت آنها صرفاً ناشی از مسائل کاربرد شناختی است، باید به دانش آموزان بیاموزیم که در هنگام نوشتن، از میان جمله‌های هم معنی، مناسب‌ترین جمله را که با بقیه‌ی جمله‌های متن تناسب بیشتری داشته باشد به کار برند. حتی در تمرین‌های مربوط به نوشتن، می‌توان یکی از این صورت‌ها را در اختیار دانش آموزان گذاشت و از او بخواهیم که جمله‌های دیگری بنویسد که با جمله داده شده دارای رابطه تاویل معنایی باشد و به این صورت ذهن دانش آموز را برای نوشتن تقویت کنیم.

۲- **تضمن:** چنانچه بین جمله‌ها رابطه‌ی شمول معنایی برقرار باشد، آن رابطه را «تضمن» می‌نامیم، به عنوان مثال وقتی می‌گوییم: دوست رضا در مسابقه‌ی رباتیک دانشجویان کشور مقام اول را کسب کرد. مفهوم این جمله، مفاهیم جمله‌های زیر را در بر می‌گیرد:

www.Anjomanfarsi.ir

- رضا یک دوست دارد.
- دوست رضا دانشجو است.
- دوست رضا دانشجوی کوشایی است.

از رابطه‌ی مفهومی تضمن هم، می‌توان در آموزش زبان فارسی استفاده کرد. می‌توان یک جمله را به دانش آموز بدهیم و از او بخواهیم که در مقابل آن، چند جمله بنویسد که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی تضمن معنایی باشد. از این طریق آنها می‌توانند از معلوم داده شده به مجهول دست یابند و توانایی نوشتاری خود را تقویت کنند.

۳- **انکار:** اگر بین دو جمله، تضاد معنایی برقرار باشد و مفهوم یک جمله، مفهوم جمله‌ی دیگری را منکر شود، رابطه‌ی مفهومی انکار به کار گرفته شده است. به عنوان مثال بین دو جمله‌ی «علی زنگ است» و «علی تنبل

است» رابطه انکاری وجود دارد چون هر دو با هم در یک زمان نمی توانند از صحت برخوردار باشند. این نوع رابطه مفهومی هم می تواند در جهت افزایش توانایی نوشتاری دانش آموزان به کار گرفته شود. اما همه ی این ها که گفته شد در محدوده ی هنجارهای زبان فارسی بود که باید در جهت تقویت توانایی نوشتاری و گفتاری دانش آموزان آموزش داده شوند. اما گاهی ما با مقوله هایی رو به رو هستیم که در هیچ یک از این هنجارهای زبان قرار نمی گیرند؛ ولی به هر حال می توانند تأثیر مضاعفی در آفرینش ساختارهای هنری و ادبی داشته باشند. در کتاب های درسی آنجا که درصدد آفرینش متنی یا قطعه ای ادبی است کمتر به این هنجارگریزی های زبان پرداخته شده و اگر هم گاه به آن اشاره ای شده بسیار گذرا، مبهم و ناکافی است؛ چنان که درک درستی از هنجارگریزی به دانش آموز نمی دهد. اکنون این واژه را بیشتر مورد کند و کاو قرار می دهیم.

هنجارگریزی (deviation)

این اصطلاح «بر گرفته از حوزه زبان شناسی مدرن و نقد زبان شناسیک است و از رهگذر زبان انگلیسی به مباحث نقد ادبی و زبان شناسی فارسی راه یافته است. انحراف از فرم در حوزه ی زبان شناسی به هر نوع استفاده ی زبانی از کاربرد (معنا شناسیک تا ساختار جمله) که مناسبات عادی و متعارف زبان در آن رعایت نشود اشاره دارد (داد، ۱۳۸۲: ۵۴) مثلاً "هنجار زبان، ایجاب می کند که ما جمله ی «رفت تالب ...» با اسم مکان تکمیل شود و مثلاً" بگوییم: رفت تالب رودخانه، دریا و ... ولی وقتی سهراب سپهری می سراید:

ولی نشد

که روبروی وضوح کبوتران بنشیند.

و رفت تالب هیچ (سهراب، ۱۳۷۵: ۴۰۰)

این هنجار در هم می ریزد و به برجستگی زبان منجر می شود. در نقد زبان شناسیک، بررسی موارد انحراف از فرم یکی از شیوه های اساسی در درک و انتقال پیام متن می باشد.

در سالهای اخیر برخی از زبان شناسان داخلی، واژه ی آشنایی زدایی (Defamiliarization) را برای این اصطلاح به کار می برند. آنان این اصطلاح را از نقد شک洛夫سکی (sheklvosky) صورتگرای روسی اتخاذ کردند. آنچه شک洛夫سکی تأکید می کند آن است که در حالت عادی، زبان موجب بی اختیاری اوراقات ها می شود، یعنی ما واقعیتی را که در گذشته شناخته ایم، بدیهی می دانیم، زیرا برداشت های ما با ظرف معمول زبان جوش خورده اند. اما کار هنرمند و شاعر آن است که نظر ما را با آشنایی زدایی از زبان معطوف به نفس این ادراکات می کند. (داد، ۱۳۸۲: ۴)

اکنون در خلال دسته بندی هنجارگریزی به برخی از این هنجارگریزی های ادبی می پردازیم.

۱- هنجارگریزی گفتمانی (Discoursal deviation)

هنجارگفتمان ایجاب می کند که موضوع سخن به طور منطقی آغاز میان و پایان داشته باشد. اما اگر در شروع سخن، میانه ی موضوع، سرآغاز شود هنجار این مناسبات در هم می ریزد و نوعی هنجارگریزی گفتمانی حاصل می شود. در این شعر فروغ فرخزاد و این منم زنی تنها در آستانه فصلی سرد واو عطف که باید در میانه عبارت قرار گیرد در ابتدا آمده است.

۲- هنجارگریزی معنی شناسیک (semantic deviation) انحراف از نرم در حوزه ی روابط معنایی است به طوری که معنای جمله یا عبارت از حیث منطق زبان بی ربط یا متناقض بنماید. دکتر وحیدیان کامیار (۱۳۸۳: ۲۷۲) این نوع را فراهنجارهای تصویری می نامد و آن را شامل استعاره، مجاز، متناقض نما، کنایه و حتی تشبیه می داند.

۱- متناقض نما

در تعریف آن آمده است که (متناقض نما سخنی است که تناقض آن، چندان شگفت انگیز است که ما را به جستجوی معنی و مفهوم واقعی بر می انگیزد. (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳، ۱۵۵) این تعریف بر مبنای دیدگاه «لیچ» (N. leech) است. او متناقض نما را هنجارگیری معنایی می داند و می گوید: هنجار گریزی معنایی از نظر لفظی، بی معنایی است، منتها این بی معنایی لفظی یا ظاهری، خواننده را وادار می سازد که از ورای تعریف لغوی، تعبیری عقلانی بجوید (داد، ۱۳۸۲: ۴)

گر چه در ادب فارسی از دیرباز متناقض نما به کار رفته است اما به عنوان ترفندی شاعرانه در کتب صناعات شعری نیامده و آشنایی ما با آن از طریق ادب غرب صورت گرفته است، اولین کسی که به این ترفند اشاره کرد، دکتر شفیع کدکنی است که از آن به نام تصویر پارادکسی یاد می کند: «تصویر پارادکسی تعبیری است که به لحاظ منطقی، تناقض در ترکیب آنها نهفته است. ولی اگر در منطق عیب است، در هنر در اوج تعالی است ... و این یکی از شیوه های عظیم در بلاغت سنتی است که مثل بسیاری از موارد دیگر، کتاب های قدیم از تبیین آن و نشان دادن مبنای عظیم جهان شناسی آن عاجزند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۷) با توجه به نمونه های متناقض نما در شعر و نثر می توان، آن را بر دو نوع تقسیم کرد.

الف- متناقض نمای معنایی

نکته ی مهم در متناقض نماهای معنایی، این است که کار شاعر و نویسنده درک واقعیت های پنهان از ورای ظاهر است و ارائه آنها، در حقیقت این واقعیت ها هستند که چون با روال منطقی و باورهمگانی مطابقت ندارند متناقض به نظر می رسند. به عبارت دیگر شاعر و نویسنده در این نوع متناقض نما برای زیبایی آفرینی به آوردن ترفند متناقض نما دست نمی زنند، بلکه خود واقعیت ها را می آورند و این واقعیت ها هستند که در برخورد اول، تکان دهنده و عجیب و متناقض می نمایند و ذهن را وادار به تأمل و جستجو می کنند و سرانجام دریافت این که تناقض در کار نیست و عین حقیقت است، تناقض را در همه جا می توان جست، از جمله در جوامعی که چون به ظاهر آن بنگری جز پاکی، آراستگی، عدالت، رفاه نمی بینی اما اگر حجاب کنار برود پلیدی است و ظلم و فقر. در آن حالت چه ترفندی جز متناقض نما می تواند واقعیت را نشان بدهد. در روزگاری که انسانیت به هیچ گرفته می شود و پاکی محکوم است، زندگی به ظاهر زندگی است و در باطن مرگ:

عصر توهین آمیزی که آدمی

مرده ای است

www. Anjomanfarsi.ir (شاملو)

ب- متناقض نمای لفظی که صرفاً زیبایی آفرینی است و ربطی به مضمون ندارد. از آن جا که کلام تا غرابت و تازگی پیدا نکند ارزش شعری و ادبی نمی یابد، لذا شاعران و ادیبان بر آن هستند که با شگردهای گوناگون به کلام غرابت بخشند. این غرابت کلام چندان مهم است که فرمالیست ها اساس کلام ادبی را در بیگانه ستیزی کلام می دانند. چنان که گفته شد از نظر شکلوفسکی، کار ادبیات بیگانه ستیزی و آشنایی زدایی زبان است. ترفند متناقض نما اگر بهترین شیوه ی بیگانه ستیزی نباشد، در ردیف بهترین هاست. البته متناقض نما هم مانند هر ترفند دیگری اگر تکرار شود، غرابت، شگفت انگیزی و ابهام خود را به مرور از دست می دهد همانند آوردن «مجموع و پریشان» که در اشعار بسیاری از شاعران مکرر آمده است. البته با آشنایی زدایی این مفاهیم متناقض جان تازه ای می یابد چنان که در این شعر اخوان می بینیم:

از تهی سرشار
جویبار لحظه ها جاری است.

۲- استعاره:

از دیدگاه زبان شناسان، استعاره نوعی هنجارگریزی (فراهنجار) معنا شناسیک است. براساس این رویکرد، جمله های زیر همگی در یک صورت قرار می گیرند و درعین حال از خاصیت همنشینی مألوف کلمات هم برخوردارند.

«آیا دوباره من از پله های خانه خود بالا خواهم رفت»

«آیا دوباره من از پله های سرداب خود بالا خواهم رفت»

«آیا دوباره من از پله های آپارتمان خود بالا خواهم رفت؟» و ...

در تمام این موارد هیچ اتفاقی خارج از هنجار زبان رخ نداده است و تمام این جمله ها پیامی تعریف شده را در مناسبات زبان فارسی انتقال میدهند. به همین دلیل، ذهن به طور طبیعی بعد از دریافت نیمه اول هر یک از جمله های بالا، ملازم آن یعنی کاخ، خانه، آپارتمان، سرداب، و ... را پیش بینی می کند. این مکانیسم در نتیجه عادت عمل می کند و در جهت تکمیل جمله ذهن را هدایت می کند. اما چنانچه به جای هر یک از این کلمات، گوینده کلمه ای دیگر و خارج از انتظار ادا کند و بگوید: «آیا دوباره من از پله های کنجکاو خود بالا خواهم رفت؟ (فروغ فرخزاد) اگر چه این جمله به لحاظ دستوری در همان صورت صرفی جمله های بالا قرار می گیرد، به دلیل فقدان همنشینی مألوف کلمات در درون جمله، انحرافی از نرم زبان رخ داده است که مناسبات تازه و بدیعی را خلق می کند و با آشنایی زدایی از الگوهای آشنا در قاموس زبان فارسی، موجب برجستگی و تشخیص زبان می شود. این انحراف، نقطه ی عزیمت زبان از سطح واقعی و رایج به سطح مجازی و به عرصه ی خلاقیت شاعرانه است. از این رو «استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی کلام است» (علوم مقدم، ۱۳۷۶: ۱۱۷) که زبان شعری را قوی تر و رساتر می کند و شنونده را از حالت عادی کلام به اوج اندیشه های باریک و عاطفی می کشاند.

۳- هنجار گریزی دستوری (grammatical deviation)

انحراف در روابط دستوری کلمه ها و جمله هاست. مانند این عبارت:

در کوچه باغ گل سرخ شرمم

در کوچه های نوازش

در کوچه های چه شب های بسیار

در کوچه های نجیب غزل ها که چشم تو می خواند... (اخوان ثالث)

۴- هنجار گریزی قاموسی (Lexical deviation)

این نوع هنجار گریزی خود بر دو نوع است. الف) واژه آفرینی که گوینده واژه ای می سازد که پیشتر در متن آن زبان وجود نداشته است.

از توام ای شهره قمر در من و در خود منگر کز اثر خنده تو گلشن خندنده شدم

ب) تغییر طبقه ی نقشی (functinal conversion)

در این پدیده نه تنها مناسبات معنایی بین کلمات در هم می ریزد بلکه، مناسباتی نیز که مستلزم همنشینی مألوف کلمه ها در بستر روابط دستوری معنا دار است تغییر می کند. دکتر شفیع کدکنی در کتاب شاعر آینه ها (۱۳۶۶: ۴۵-)

۴۴) ضمن بررسی ویژگی های سبک شناسیک اشعار بیدل نمونه های فراوانی از این نوع هنجارگریزی ارائه می دهد.

ای قیامت صبح خیز لعل خندان شما
شور صد صحرا چون گرد نمکدان شما(بیدل)
و نمونه هایی از اشعار فارسی معاصر:
در اتاقی که به اندازه یک تنهایی است
و به آواز قناری ها

که به اندازه یک پنجره می خوانند.(فروغ فرخزاد)
باید امشب چمدانی را

که به اندازه پیراهن تنهایی من جا دارد بردارم
و به سمتی بروم

که درختان حماسی پیداست(سهراب سپهری)

لذا ما در کنار آموزش همه هنجارهای زبان فارسی می توانیم این فراهنجارها را نیز با هدف افزایش دقت، اندیشه، تخیل، خلاقیت و ابتکار دانش آموزان به آنان بیاموزیم تا آنان را در مسیر آفرینش های ادبی قرار دهیم و این، نیازمند توجه بیشتر به این فراهنجارها در کتاب های درسی می باشد.

فهرست منابع:

- ۱- چناری، امیر؛ (۱۳۷۷) مناقص نمایی در شعر فارسی، چاپ اول، انتشارات فرزاد، تهران.
- ۲- داد-سیما؛ (۱۳۸۲) فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول، انتشارات مروارید، تهران.
- ۳- زندی، بهمن؛ (۱۳۷۸) آموزش فارسی معیار، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- ۴- سپهری، سهراب (۱۳۷۵) هشت کتاب، چاپ پانزدهم، انتشارات طهوری، تهران.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶) شاعر آینه ها، (بررسی سبک هندی و شعر بیدل) چاپ اول، انتشارات آگاه، تهران.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ (۱۳۶۸) موسیقی شعر، چاپ اول، تهران.
- ۷- علوی مقدم، محمد و همکارش؛ (۱۳۷۶) معانی و بیان، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- ۸- فرخزاد، فروغ؛ (۱۳۷۷) مجموعه اشعار فروغ به کوشش سعید قانع، چاپ اول، انتشارات بهزاد، تهران.
- ۹- وحیدیان کامیار، تقی؛ (۱۳۷۹) دستور زبان فارسی (۱)، چاپ اول، انتشارات آگاه، تهران.
- ۱۰- -----؛ (۱۳۸۳) زبان چگونه شعر می شود(مجموعه مقالات) چاپ اول، نشر سخن گستر، مشهد.